فصلنامه حقوق اداری
سال هشتم، زمستان ۱۳۹۹، شماره ۲۵

نقد مقررات تجدیدنظرخواهی و اعتراض به آراء انضباطی بازار اوراق بهادار

محمد شکری؛[۱] علیرضا ایرانشاهی؛[۲] ابراهیم تقی زاده[۳]

تاریخ دریافت:
۱۳۹۹/۰۳/۲۸
تاریخ پذیرش:
۱۳۹۹/۰۷/۲۲

چکیده

اعتراض و تجدیدنظرخواهی از آرای مراجع انضباطی قانون بازار اوراق بهادار، موضوعی است که با توجه به مقررات فعلی با انتقاداتی مواجه است. مرجع بدوی انتظامی در قانون مذکور، هیأت‌مدیره بورس و رأی صادره، قابل تجدیدنظرخواهی در هیأت‌مدیره سازمان است. مواردی از جمله واگذاری رسیدگی نخستین به تخلف مدیرعامل و اعضای هیأت‌مدیره بورس و ارکان سایر تشکل‌های خودانتظام به «هیأت مدیره سازمان» به موجب آیین‌نامه و حذف مرحله تجدیدنظر از این آراء و رسیدگی بدوی کمیته رسیدگی و هیأت رسیدگی در مواردی که متهمان به تخلف عضو تشکل‌های خودانتظام نیستند، ناقض قانون بازار است؛ حال آنکه در صورت لزوم تخصیص باید به موجب قانون باشد، نه آیین‌نامه. رأی وحدت‌رویه دیوان عدالت اداری، امکان شکایت از آرای قطعی انضباطی بورس در دیوان عدالت اداری را نفی نموده است؛ این امر با توجه به اصل صلاحیت دیوان عدالت اداری به عنوان مرجع عمومی شکایت از آرای مراجع اداری و قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت و ماهیت انضباطی آرای این مراجع، رویکردی مغایر با ضرورت نظارت قضایی دیوان دارد.

واژگان کلیدی: مراجع انضباطی، بازار اوراق بهادار، تخلفات بورسی، تجدیدنظر، دیوان عدالت.

۱ – گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) mshokri.law56@gmail.com
۲ –استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران Alireza-iranshahi@yahoo.com
۳ –استاد گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران Taghizaadeh@gmail.com

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]

مقدمه

از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی کشورها، بازار سرمایه است. بورس با هدایت سرمایه‌های خرد مردم؛ موجب توسعه، ایجاد شغل، رونق فضای تولید و افزایش سطح رفاه عمومی می‌شود. امروزه، توسعه‌یافتگی بورس‌ها به عنوان شاخص توسعه‌یافتگی کشورهاست (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۷۶). معاملات بورسی، نقش مهمی در تخصیص کارآمد کالا و خدمات ایفا می‌کنند (انصاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۵). تصویب قانون تأسیس بورس اوراق بهادار در ایران، یکی از آثار دخالت دولت در جهت روند نظم‌بخشی به بازار سرمایه است (باقری و احضاری، ۱۳۹۸: ۶۰). برای اینکه بازارهای اوراق بهادار صحیح ایفای نقش کنند، باید مورد اعتماد و اقبال عموم و فعالان اقتصاد باشند؛ در این میان، سازوکارهای حقوقی در کنار سایر عوامل می‌تواند در تحقق اصول مربوط مؤثر باشد (امینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲). قوانین و مقررات کافی و مناسب از جمله عوامل مؤثر در افزایش مشارکت مردم و توسعه بازار سرمایه است (حسن‌نژاد و شمس، ۱۳۹۵: ۷۸). بورس اوراق بهادار، مهم‌ترین نهاد خودانتظام در بازار سرمایه است، مهم‌ترین ویژگی نهادهای خودانتظام، برخورداری از استانداردهای حرفه‌ای و اخلاقی است که مجازند برای حسن‌انجام وظایف و تنظیم فعالیت‌های حرفه‌ای خود، ضوابط و استانداردهای حرفه‌ای و انضباطی لازم را وضع و اجرا نمایند. این ویژگی موجب تفویض برخی وظایف نظارتی مقام ناظر یعنی سازمان بورس به این نهادها می‌شود (انصاری و مبین، ۱۳۸۹: ۹۲). در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری، ریسک و بازده حاصل از گزینه‌های سرمایه‌گذاری مد نظر قرار می‌گیرد (پایتختی اسکوئی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۷). همین امر احتمال وقوع تخلف را بالا می‌برد.

در فرهنگ اسلامی، فلسفه وجودی «نظارت»، ممانعت از انحرافات فردی و اجتماعی است (ورعی، ۱۳۸۳: ۵). از جمله مواردی که در جامعه لازم‌الرعایه است، نظامات شغلی و حرفه‌ای است که رعایت آنها موجب انجام صحیح وظایف و جلوگیری از سوءاستفاده‌های ناشی از موقعیت شغلی است، مطابق ماده ۲ دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اشخاص، موضوع ماده ۳۵ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران و دیگر اشخاص تحت نظارت سازمان[۱] « تخلف عبارتست از: هر گونه فعل یا ترک فعل منجر به نقض قوانین بازار سرمایه، مصوبات شورا، سازمان یا تشکل‌های

---

۱ – این دستورالعمل مصوب ۸۷/۱/۲۰ اصلاحی ۹۰/۱۱/۱ هیأت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار است. برای رعایت ایجاز و اختصار در متن و پاورقی‌های این مقاله، هرجا واژه «دستورالعمل» به نحو اطلاق، به‌کار رفته است، منظور همین دستورالعمل است و موارد غیر از این با ذکر عنوان کامل مشخص می‌گردد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]

خود انتظام» و اتخاذ تدابیر لازم برای پیشگیری از وقوع تخلفات در بازار اوراق بهادر و اعلام تخلفات مقرر در این قانون از وظایف هیأت‌مدیره سازمان است[۱].

در قوانین و مقررات، ضمانت اجرای تخلفات در قالب عناوینی از قبیل: مجازات‌های اداری، انتظامی و یا انضباطی پیش‌بینی شده است و مراجع رسیدگی‌کننده به آنها نیز به تبع به مراجع اداری، انتظامی یا انضباطی موسوم است. این مراجع پس از رسیدگی، مبادرت به صدور رأی می‌نمایند؛ از آنجا که امکان حدوث خطای ناشی از اشتباه یا خطا وجود دارد، به‌مانند دادگاه‌های دادگستری، مراجعی برای نظارت بر رسیدگی و آرای بدوی مراجع اداری و انضباطی پیش‌بینی گردیده است. نظارت قضایی[۲] در مفهوم موسّع آن، مؤثرترین روش تضمین رعایت سلسله‌مراتب میان منابع حقوق و مراجع وضع قاعده حقوقی است. یکی از مصادیق این نظارت، نظارت قضایی محاکم قضایی عالی یا تالی بر آرای محاکم بدوی اعم از محاکم قضایی نخستین یا دادگاه‌های اختصاصی اداری است که از آن به تجدیدنظر قضایی نیز تعبیر می‌شود. (هداوند، ۱۳۸۷: ۱۳ و ۱۶)؛ بنابراین حق تجدیدنظرخواهی و اعتراض به تصمیمات و آراء، موجب تحقق این مهم است. منظور از نظارت قضایی در مفهوم اخص، نظارت مرجع قضایی بر آراء مراجع اداری (غیردادگستری) است، مانند نظارت دیوان عدالت اداری که به موجب قانون به عنوان مرجع قضایی اداری به اعتراضات از آرای اداری مراجع بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات دادرسی دیوان عدالت اداری رسیدگی می‌کند.

در خصوص مراجع قضایی، تصریحات کافی وجود دارد؛ ولی در مورد مراجع موضوع پژوهش حاضر یعنی مراجع انضباطی، موضوع قانون بازار اوراق بهادار با آنکه به لحاظ کمّی و کیفی و دخالت ریسک، در معرض تخلفات متعدد است، ابهامات قانونی وجود دارد و مقررات موجود با انتقاداتی مواجه است.

با توجه به اینکه مقررات لازم و کافی درخصوص مراجع انضباطی در قانون تعیین نگردیده است؛ بنابراین، با تدوین دستورالعمل، اهتمام در رفع این کاستی شده است؛ اما دستورالعمل در مواردی فراتر از شأن خود، عمل کرده و از حدود خارج گردیده و دست به تدابیری در صلاحیت قوه قانونگذاری زده است؛ همچنین، در مواردی نیز خلأ مرحله تجدیدنظر وجود دارد؛ از طرفی، موضوع امکان شکایت از آرای قطعی این مراجع انضباطی در دیوان عدالت با رأی وحدت‌رویه‌ای مواجه شده است که به لحاظ ماهیت این آراء و مراجع، به نوعی موجب خلأ کنترل و نظارت قضایی نسبت به این آرای دارای ماهیت اداری و انضباطی شده است. این موارد به بوته نقد کشیده شده تا شاید گامی در رفع کاستی‌ها باشد.

---

۱ – طبق بند ۸ و ۹ ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار

۲ - Judicial review

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]

از جهت پیشینه پژوهش درخصوص موضوع نوشتار، هیچ سابقه‌ای یافت نشده و عنوان آن از اصالت برخوردار است و اگر مواردی هست در اطراف موضوع و راجع به کلّیت تخلفات انضباطی این مراجع و به بیان آنچه در قانون هست، اکتفا گردیده است (نورانی‌مقدم و عیوضی، ۱۳۹۵: ۳۵۰–۳۴۹؛ انصاری، ۱۳۹۲: ۱۵۷–۱۵۶ ؛ میرزایی منفرد، ۱۳۹۰: ۴۳–۲۲). در مواردی، دیگران راجع به ابهامات و ایراداتی از جمله فقدان تعریفی روشن از تخلف و تمایز آن از جرم در قانون بازار، (سلطانی، ۱۳۹۶: ۳۵۳) سکوت قانون درخصوص رسیدگی به تخلفات انضباطی سایر اعضای تشکل‌های خودانتظام – غیر از بورس‌ها – توسط تشکل خودانتظام و قرار گرفتن این وظیفه مطابق مقررات مصوب هیأت وزیران و شورای عالی بورس بر عهده سازمان (سلطانی، ۱۳۹۶: ۳۵۴) اشاره کرده‌اند؛ ولی دربارهٔ اعتراض و تجدیدنظرخواهی از این آراء و نقد مقررات موردی مشاهده نگردید.

۱. تجدیدنظرخواهی از آرای مراجع انضباطی بورس

امکان اعتراض و رسیدگی به آن، طریقی برای به‌حداقل رساندن خطاها و اشتباهات در صدور رأی است. در فقه، تجدیدنظر با تشریفات و شرایط موجود در قانون موضوعه وجود ندارد؛ ولی اعتراض به احکام به شیوه‌های مختلف به چشم می‌خورد (حسن‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۷۶). در فقه، نظر غالب بر عدم‌امکان رسیدگی مجدد به حکم صادره است. این نظر به حد استفاضه و با اتکاء به شهرت محقق و منقول است که ضمانت اجرای آن بطلان حکم ثانوی است. (آشتیانی، ۱۴۰۴ :۵۴ و ۵۵)؛ اما ممنوعیت رسیدگی دوباره، در شرایط صحت و تطابق با موازین شرعی حکم صادره و وجود خصوصیات، ویژه قاضی است. (رشتی، ۱۴۰۱: ۱ و ۱۰۷)؛ در غیر این‌صورت، استماع مجدد آن جایز است. در موارد صدور حکم به تأدیه دین یا حبس، قاضی ثانی در صورت احراز غیرحق بودن، حکم اول را باطل می‌نماید؛ خواه مستند، حکم قطعی و یا اجتهادی باشد. (حلی، ۱۳۸۹ق :۷۵) (نجفی، ۱۳۵۳ق: ۴۰ و ۹۴)؛ همچنین در مواردی که قاضی ثانوی در رأی صادره اشتباه یا نادرستی ملاحظه کند، امکان نقض آن و صدور رأی مجدد را دارد (نجفی، ۱۳۵۳ق: ۴۰ و ۹۴). در آثار فقها، رفتار قضایی با عناوین آداب‌القضا یا ادب‌القضا به نحو دقیق مطرح گردیده است (همتی و داودی، ۱۳۹۶: ۲۸۵).

مرحله تجدیدنظر، یکی از مصادیق نظارت تام مرجع عالی بر آرای مرجع تالی است؛ زیرا در این مرحله رسیدگی مجدد، هم شکلی و هم ماهوی است. تجدیدنظر جنبه تصحیحی دارد و دادگاه عالی که از دادرسان متعدد و باتجربه تشکیل شده است، رأی دادگاه تالی را پس از بررسی، حسب مورد استوار یا با فسخ حکم نخستین، رأی دیگری صادر (صدرزاده افشار، ۱۳۸۵: ۲۶۷) و کار دادگاه تالی را بازرسی می‌کند (صدرزاده افشار، ۱۳۸۵: ۲۷۶). این نوعی ممیزی اعمال دادگاه نخستین و

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]

در جهت اتخاذ تصمیمی بی‌نقص است (شمس، ۱۳۸۲ :۳۴۷). این امر منحصر به آرای دادگاه‌های قضایی نیست و غالباً نسبت به سایر آراء، دیگر موارد مانند مراجع اداری، انضباطی و خارج از دادگستری نیز پیش‌بینی شده است.

با تصویب قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ و لغو قانون تأسیس بورس مصوب ۱۳۴۵، به موجب ماده ۳۵ ، صلاحیت هیأت‌مدیره بورس در رسیدگی نخستین به تخلفات انضباطی کارگزاران، کارگزار/ معامله‌گران، بازارگردانان، ناشران و سایر اعضای خود از مقررات قانون و آیین‌نامه‌های مربوطه ابقاء گردید.

در تبیین مشمولین مقرره فوق‌الذکر، علاوه بر معامله‌گران؛ اصطلاحاتی به عنوان اعضای بورس مورد تصریح قرار گرفته است. کارگزاران یکی از واسطه‌های مالی هستند. کارگزاران بورس، اشخاص حقوقی‌اند که به نمایندگی (حق‌العملکاری) از دیگران مبادرت به معامله اوراق بهادار می‌نمایند. معامله کارگزاران منوط به صدور جواز از سازمان بورس و اوراق بهادر و عضویت در آن است. اهمیت این دسته از فعالان بازار سرمایه، زمانی روشن می‌گردد که به موجب ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران، معامله اوراق بهادار در بورس صرفاً توسط کارگزاران باید انجام شود. (شیخ و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۴)؛ از این‌رو «عملکرد کارگزاران در گرایش صاحبان منابع پس‌اندازی به سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار یا رویگردانی آنها از این بازار بسیار موثر است» (شیخ و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۵) .

یکی دیگر از اصطلاحات مصرحه در ماده ۳۵، بازارگردانان است. بازارگردانان در بازار سرمایه از عناصر مهم محسوب می‌شوند. بازارگردان، فرد یا شرکتی است که با پذیرش ریسک معامله، مبادرت به خرید و فروش اوراق بهادار یا کالای اقتصادی می‌نماید. رویکرد وجود بازارگردان، ثبات بازار است؛ زیرا اساساً انتظارات و اقدامات آنها برخلاف معامله‌گران مبتدی است. همین امر موجب تثبیت بازار می‌گردد (لواسانی و مرشدبابایی، ۱۳۹۹: ۱۲۶). در واقع، وی با خرید به هنگام افزایش عرضه و فروش حین افزایش تقاضا، سبب تعادل در بازار و کاهش ریسک سهامداران جزء می‌شود (فدایی‌نژاد و کامل‌نیا، ۱۳۹۰: ۴۲ و ۴۵). منظور از ناشران نیز شرکت‌های منتشرکننده اوراق بهادار به نام خود است. تخلفات این دسته از اعضای بورس نیز در شمول مقررات ماده ۳۵ است. علاوه بر موارد ذکر شده؛ مشاور سرمایه‌گذاری، سبدگردان، شرکت تامین سرمایه و سایر فعالین عرصه بورس نیز با توجه به عبارت «و سایر اعضا» در حاکمیت مقرره قرار می‌گیرند. از امتیازات قانون فعلی نسبت به قانون سابق، تعیین مهلت برای تجدیدنظرخواهی از آرای هیأت مدیره بورس است. قسمت اخیر ماده ۳۵ به خلأ سابق پایان داد و مقرر نمود: «... رأی بورس به مدت یک ماه از تاریخ

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]

ابلاغ[۱] قابل تجدیدنظر در سازمان می‌باشد، رأی سازمان قطعی و لازم‌الاجرا می‌باشد». جهت بررسی موضوع تجدیدنظرخواهی، اولین گام، تشخیص آرای قابل تجدیدنظرخواهی است. اصولاً آرای مراجع بدوی زمانی قابل تجدیدنظرخواهی است که اول آنکه، در مرحله بدوی صادر شده باشند؛ دوم آنکه، مطابق قانون، قابل تجدینظرخواهی باشند. مقررات مربوط به آرای مراجع انضباطی بازار اوراق بهادار، قانون، آیین‌نامه و دستورالعمل است که به ترتیب بررسی و مورد نقد قرار می‌گیرد.

۱-۱. قانون

مطابق ماده ۳۵ قانون بازار اوراق بهادار، مرجع رسیدگی نخستین (بدوی) به تخلفات انضباطی فعالان بازار، «هیأت مدیره بورس» است. به استناد بند ۳ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار و قسمت اخیر ماده ۱ اساسنامه سازمان بورس و اوراق بهادار مصوب ۸۴/۱۲/۱۴ هیأت‌مدیره بورس مربوطه حسب مورد ممکن است هیأت‌مدیره بورس اوراق بهادار باشد یا بورس کالای ایران.[۲] به‌علاوه، قانون درخصوص اعضای بورس‌ها استثنا قائل نگردیده و رسیدگی نخستین به تخلفات آنها را به نحو مطلق در صلاحیت «هیأت مدیره بورس» دانسته است و این امر شامل بورس اوراق بهادار تهران، فرابورس ایران، بورس کالای ایران و بورس انرژی می‌شود.. نکته اینکه، موضوع ماده ۳۵ قانون بازار تخلفات اعضای بورس است، نه خود بورس. این دو با یکدیگر متفاوت هستند.

در بیان انتقادات وارد به این بخش از قانون باید گفت:

اولاً، این آراء به تصریح قسمت اخیر همان ماده قابل تجدیدنظرخواهی است و مرجع رسیدگی نیز «سازمان» می‌باشد؛ بنابراین، نظارت سازمان در این بخش، صرفاً در مقام رسیدگی تجدیدنظر است؛ با ساز و کار قانون فعلی در مرحله رسیدگی نخستین هیچ نظارتی برای آن لحاظ نشده است. دیگران نیز به درستی بر این رویه انتقاد نموده‌اند؛ زیرا امکان نظارت مستقیم سازمان را بر اعضای بورس منتفی ساخته است. بر این اساس، چنانچه از نظر بورس، عمل یکی از اعضای آن تخلف نباشد، هر چند به عقیده سازمان تخلف باشد، سازمان نمی‌تواند به تنبیه انضباطی آن اشخاص مبادرت ورزد. (سلطانی، ۱۳۹۶: ۳۵۵)

ثانیاً، قانون بازار در مورد تخلفات انضباطی، تنها به اعضای بورس‌ها تصریح دارد و نسبت به رسیدگی به تخلفات سایر اشخاص تحت نظارت و تخلفات خود بورس (ارکان بورس) ساکت است.

---

۱ – توضیح اینکه، ابلاغ؛ نقشی در ایجاد حق شکایت ندارد و ذی‌حق به محض صدور رأی، حق تجدیدنظرخواهی از آن را دارد؛ بنابراین، اگر به طریقی غیر از ابلاغ از صدور رأی مطلع شود؛ می‌تواند اقدام به پژوهش‌خواهی نماید. (حسن‌زاده، ۱۳۹۷: ۲۶۸–۲۶۷)؛ البته نظر مخالف مبنی بر لزوم ابلاغ نیز وجود دارد (افتخارجهرمی و السان، ۱۳۹۶: ۳۹۴).

۲ – به استناد بند ۳ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار و قسمت اخیر ماده ۱ اساسنامه سازمان بورس و اوراق بهادار مصوب ۸۴/۱۲/۱۴

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]

یکی دیگر از قوانین موضوع این بخش، قانون ابزارهای مالی مصوب ۱۳۸۸/۹/۲۵ است. ماده ۱۴ این قانون، رسیدگی به تخلفات ناشران اوراق بهادار، نهادهای مالی و تشکل‌های خودانتظام و مدیران آنها را بر عهده «سازمان» گذاشته است تا علاوه بر اقدامات انضباطی نسبت به اخذ جریمه نیز اقدام نماید.

نقد قابل طرح نسبت به این قانون چنین است که مطابق آن، مرجع رسیدگی بدوی، «سازمان» است. این روش در عمل، سبب عدم‌امکان تجدیدنظرخواهی نسبت به این آراء است؛ زیرا مطابق ماده ۳۵ قانون بازار، آنچه قابل تجدیدنظرخواهی است، آرای بدوی صادره از هیأت‌مدیره بورس است و اصولاً نیز با توجه به اینکه مرحله تجدیدنظر تصحیحی است، نه عدولی؛ خود سازمان نمی‌تواند مرجع تجدیدنظرخواهی از رأیِ خود باشد؛ بنابراین، قانون ابزارهای مالی در این بخش، به نوعی مخصّص ماده ۳۵ قانون بازار است؛ هرچند با توجه به اینکه این تخصیص به موجب قانون مصوب مجلس است و از این جهت بدون اشکال است؛ ولی به دلیل سلب قابلیت تجدیدنظرخواهی و انتفاء امکان بازنگری رأی، قابل انتقاد است.

بر اساس قسمت اخیر ماده ۳۵ قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴، مرجع رسیدگی به تجدیدنظرخواهی از آرای انضباطی بورس، «سازمان» است. بند ۲ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار، منظور از سازمان را «سازمان بورس و اوراق بهادار» معرفی کرده است. قانون فعلی با این انتقاد مواجه است که مشخص نکرده است کدام رکن از سازمان، این وظیفه (رسیدگی به تجدیدنظرخواهی) را برعهده دارد. استعمال واژه «سازمان» به عنوان مرجع رسیدگی به تجدیدنظر، تولید ابهام می‌کند. سازمان، شخص حقوقی است که به تصریح ماده ۷ اساسنامه سازمان بورس و اوراق بهادار مصوب ۸۴/۱۲/۱۴، دارای ارکان متعدد اعم از: شورای بورس، هیأت‌مدیره، رئیس بورس و حسابرس- بازرس است. تعیین شخص حقوقی سازمان، موجد نوعی ابهام در تعیین دقیق رکن صالح این نهاد برای رسیدگی در مرحله تجدیدنظر است.

شاید بتوان به استناد بند ۹ قانون بازار، هیأت مدیره را صالح به رسیدگی دانست؛ همچنین می‌توان بر آن بود که تعیین شخص حقوقی سازمان، حاوی نوعی اختیار تعیین نهاد یا اعضایی برای این کار است تا سازوکار آن را خود سازمان مشخص نماید. البته این ابهام در ماده ۹ دستورالعمل مشخص گردیده و «هیأت‌مدیره سازمان» را به عنوان مرجع رسیدگی تعیین نموده است؛ هرچند راهکار ارجح، تعیین آن در قانون بود نه دستورالعمل.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]

۲-۱. آیین‌نامه

به موجب ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۸۶/۴/۳ در اجرای ماده ۳۵ قانون: «هیأت‌مدیره بورس‌ها موظفند طبق مقررات آیین‌نامه مربوط و بر اساس دستورالعملی که توسط سازمان ابلاغ می‌شود به تخلفات انضباطی کارگزاران، کارگزار/معامله‌گران، بازارگردانان، ناشران و سایر اعضای بورس رسیدگی کنند....».

بر اساس منطوق ماده ۱۸ آیین‌نامه مذکور، چنانچه ارتکاب تخلف، منسوب به مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره بورس و ارکان سایر تشکل‌های خودانتظام در خصوص تکالیف، وظایف و اختیارات آنها در سمت‌های آنان باشد، رسیدگی نخستین در صلاحیت «هیأت‌مدیره سازمان» است. تشکل‌های خودانتظام شامل: بورس‌ها، کانون‌ها، بازارهای خارج از بورس و شرکت‌های سپرده-گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه است. به جز موارد مذکور، دیگر مصادیق را شورا تعیین می‌نماید؛ بنابراین، موضوع ماده ۱۸ آیین‌نامه، خود بورس است، نه اعضای بورس؛ زیرا سمت‌های ذکر شده از ارکان بورس و سایر تشکل‌های خودانتظام تلقی می‌شوند.. این بخش از مقررات آیین‌نامه به شرح زیر قابل انتقاد است:

قانون بازار در مورد تخلفات انضباطی صرفاً به اعضای بورس‌ها تصریح دارد و نسبت به رسیدگی به تخلفات خود بورس (ارکان آن اعم از مدیرعامل و هیأت‌مدیره و ...)، همچنین سایر اشخاص تحت نظارت ساکت است (سلطانی، ۱۳۹۶: ۳۵۵) و مبنای رسیدگی به تخلفات [بورس و سایر] تشکل‌های خودانتظام ماده ۱۸ آیین‌نامه است. (سلطانی، ۱۳۹۶: ۳۵۶)؛ به عبارت دیگر، ماده ۱۸ آیین‌نامه، مبنای رسیدگی به خود بورس و سایر تشکل‌های خودانتظام (نه اعضای آنها) است. قسمت اخیر مقرره به دستورالعملی ارجاع داده که به تصویب شورا می‌رسد. آیین‌نامه که در راستای اجرای قانون است، نمی‌تواند با ابتکار به نوعی قانونگذاری کند؛ در واقع این درست است که چون مقرره مربوط به تخلف اعضای خود هیأت مدیره بورس است؛ به‌طور منطقی، صلاحیت رسیدگی به تخلف خود را ندارند؛ ولی این امر می‌بایست به موجب قانون صورت گیرد؛ خواه این قانون خود قانون بازار اوراق بهادار باشد یا قانون دیگری؛ آیین‌نامه که مادون قانون عادی است، نمی‌تواند نقش قانون را ایفا نماید و در موارد سکوت دست به ابتکار زند.

شورای دولتی فرانسه نیز در قضیه گاسیوس[1] صلاحیت اختیاری (وضع آیین‌نامه) مؤسسات صنعتی را در وضع نظامات داخلی با تأکید بر معیار تناسب و ضرورت در راستای قانون کار بودن محدود می‌نمود (مشهدی و جلیلی‌مراد، ۱۳۹۸: ۲۲۳). تضییق و توسعه محدوده حکمی و موضوعی قانون بدین معنا که دولت بتواند برخی از مواردی که در متن قانون نیامده است، مشمول حکم

1 - CE. 12.6.1987. Soc Gatios, AJDA

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]

قانون قرار دهد و یا برخی از مواردی را که شمول قانون بر آنها مترتب است از حکم استثنا نماید، از مصادیق اصل عدم تفویض قانون‌گذاری است که شورای نگهبان در موارد متعدد آن را مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی دانسته است (کدخدایی، ۱۳۹۱: ۹۰) .

ثانیاً پیش‌بینی دو یا چند مرحله‌ای بودن رسیدگی قضایی از شیوه‌های مهم برای تضمین صلابت آرای صادره و دادرسی منصفانه است که در غالب کشورها پذیرفته شده است. (یاوری، ۱۳۹۳: ۱۱) با اعمال مقررات فعلی، این بخش از آراء (مشمول ماده ۱۸ آیین‌نامه) عملاً قابل تجدیدنظرخواهی نیستند؛ زیرا بدواً توسط هیأت مدیره سازمان صادر می‌گردد و نسبت به امکان تجدیدنظرخواهی از آن تصریحی وجود ندارد؛ در حالی که امکان حدوث اشتباه و خطا در رسیدگی سازمان و ضرورت بازبینی آرای صادره، رویکردی مغایر با ضرورت قابلیت بازنگری دارد و دادرسی یک‌مرحله‌ای، عدم‌فرصت جبران خطا را در پی دارد.

۳-۱. دستورالعمل

بر اساس ماده ۳ دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اشخاص، موضوع ماده ۳۵ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران و دیگر اشخاص تحت نظارت سازمان، به طور کلی مراجع رسیدگی به تخلفات بورسی عبارتند از: کمیته رسیدگی به تخلفات، تشکل خودانتظام مربوطه، هیأت رسیدگی به تخلفات و هیأت مدیره سازمان. بر اساس سازوکار پیش‌بینی‌شده در دستورالعمل، چنانچه مجازات تخلف، یکی از موارد زیر باشد، رسیدگی بدوی بر عهده «هیأت رسیدگی» است:[۱]

الف- مجازات‌های جرائم نقدی موضوع ماده ۱۴ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

ب- مجازات لغو یا تعلیق مجوز تأسیس و فعالیت و لغو یا تعلیق گواهینامه‌های حرفه‌ای

ج-مجازات‌های سلب صلاحیت حرفه‌ای مدیران اشخاص تحت نظارت.

بنابراین، در سه مورد مذکور، دستورالعمل «رسیدگی نخستین» را به مرجعی غیر از مرجع مورد تصریح در قانون بازار ارجاع داده است. در این موارد، پس از بررسی‌های اولیه اسناد و مدارک و مستندات پرونده، چنانچه حسب‌نظر کمیته رسیدگی، مجازات مربوط از نوع مجازات‌های فوق‌الذکر باشد، با توجه به اینکه تعیین و اعمال این مجازات‌ها خارج از صلاحیت تشکل خودانتظام است، پس از تکمیل پرونده مطابق نظر کمیته، پرونده برای رسیدگی و صدور حکم به «هیأت رسیدگی» ارجاع می‌گردد.[۲]

---

۱ - ماده ۶ دستورالعمل

۲ -بند الف-۲ ماده ۵ دستورالعمل

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]

مبنای قانونی رسیدگی به اختلافات سایر فعالان بازار سرمایه که عضو بورس‌ها و به عبارت دیگر، تشکل‌های خودانتظام نیستند، بند ب ماده ۵ دستورالعمل است. به موجب این مقرره، چنانچه متهم به تخلف، عضو یکی از تشکل‌های خودانتظام، همچنین از اشخاص موضوع ماده ۳ دستورالعمل ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی قانون بازار اوراق بهادار نیز نباشد، رسیدگی بدوی حسب مورد در کمیته رسیدگی یا هیأت رسیدگی صورت می‌گیرد.[۱] دو نهاد مزبور از اجزای سازمان[۲] هستند؛ بنابراین، عملاً در این بخش نیز ترتیب مقرر در ماده ۳۵ قانون بازار اوراق بهادار رعایت نمی‌گردد؛ زیرا در این موارد، وجود مرجع رسیدگی بدوی مقرر در این قانون یعنی هیأت مدیره بورس موضوعاً منتفی است.

نظارت بر مقررات دولتی به عنوان طریقی برای صیانت از هنجارهای برتر در سلسله مراتب قوانین و نیز حقوق و آزادی‌های شهروندان، مفهومی است که در همه نظام‌های حقوقی که حاکمیت قانون را پذیرفته‌اند، اعمال می‌شود. از مهم‌ترین و مرسوم‌ترین این شیوه‌ها که از جمله عناصر حیاتی تحقق حاکمیت قانون محسوب می‌شود، نظارت قضایی بر اعمال اداره در راستای حمایت از حقوق و آزادی‌های شهروندان است (کدخدامرادی و غمامی، ۱۳۹۷: ۲۸۲). این قسمت از دستورالعمل بدواً مقرراتی تدوین نموده که خارج از قلمروی قانون است؛ حال آنکه آیین‌نامه یا دستورالعمل باید تنها در چارچوب قانون و تسهیل اجرای آن باشد. در موارد اشاره شده، دستورالعمل به مانند قانون، ایفای نقش نموده است. اگر در مواردی، تخصیص لازم است، شایسته است این استثنائات در قانون و ترجیحاً قانون بازار اوراق بهادار پیش‌بینی گردد. آیین‌نامه یا دستورالعمل نمی‌تواند نقش قانون را ایفا نماید و یا عمومات قانون را تخصیص بزند. این امر مغایر با شأن آنهاست؛ از این‌رو، موارد اشاره شده، مصادیقی از تصریح اصل ۱۷۰ قانون اساسی بوده[۳] و مشمول تکلیف قضات به عدم‌اجرا و ابطال توسط دیوان عدالت اداری است.

در راستای محدوده موضوعی صلاحیت وضع بخشنامه، علاوه بر اطلاق بند آخر اصل ۸۵ قانون اساسی به موجب اصل ۱۳۸ اعتبار بخشنامه و دستورالعمل منوط است به اینکه اولاً با متن و روح قوانین در تضاد نباشد؛ ثانیاً در حدود مصوبات هیأت وزیران باشد. در همین راستا، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های متعددی را با استناد به بند۱ ماده ۱۲ و

---

۱ – بندب –۱ و ب –۲ماده ۵ دستورالعمل

۲ – سازمان بورس و اوراق بهادار

۳ –اصل ۱۷۰ ق.ا.ج.ا.ا: « قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است، خودداری کنند. هرکس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند».

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]

ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت، به دلیل تخطی قوه مجریه و ورود به عرصه قانونگذاری ابطال نموده است:

در رأی شماره ۸۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری[۱] با موضوع ابطال دستورالعمل‌های شماره ۱۴۹۸۹۱/۲۱ـ ۱۳۸۸/۱۲/۱۸ و ۱۴۷۳۷۵/۲۱ـ ۱۳۸۹/۱۱/۲۱ شهرداری مشهد مبنی بر اخذ بیش از ۲۰ درصد از مساحت اراضی در قبال ورود به محدوده شهر آمده است: «نظر به اینکه شهرداری مشهد در بند «د» از ماده ۱ و تبصره‌های ۱ و ۲ از ماده ۱ از دستورالعمل شماره ۱۴۹۸۹۱/۲۱ـ ۱۳۸۸/۲/۱۸ و بند «د» ماده ۱ و ماده ۳ دستورالعمل شمـاره ۱۴۷۳۷۵/۲۱ـ ۱۳۸۹/۱۱/۲۱ اخذ بیش از ۲۰ درصد از مساحت اراضی در قبال ورود به محدوده شهر را مصوب کرده است؛ بنابراین، به دلیل مغایرت این مصوبات با حکم تبصره ۴ قانون فوق‌الذکر با استناد به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، حکم بر ابطال آنها نسبت به مازاد بر ۲۰ درصد صادر و اعلام می‌شود.

همچنین به موجب دادنامه شماره ۱۰۰۱ «.. نظر به اینکه وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب دستورالعمل کسر ساعت کار کارکنان بالینی قانون ارتقاء بهره‌وری که طی شماره ۱۰۰/۳۰۶۰۲۱ ـ ۱۳۸۹/۱۰/۱ ابلاغ شده، فراتر از وظیفه مقرر در ماده ۲ آیین‌نامه حکم قانون و آیین‌نامه اجرایی ناظر بر تعیین مصادیق کارکنان بالینی رسته بهداشتی، درمانی را تغییر داده و پزشکان را از شمول برخورداری از کسر ساعت کار خارج کرده و موجبات تضییع حقوق آنان را فراهم کرده است. این حکم، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است و با استناد به بند ۱ ماده ۱۲، به‌ویژه فراز آخر آن و ماده۸۸ از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.[۲]

در رأی شماره ۱۲۸۸ ـ ۱۲۸۷ نیز دستورالعمل شماره ۲۰۰/۲۳۷۲۰ ـ ۱۳۹۱/۱۱/۳۰ رئیس سازمان امور مالیاتی کشور به شرح زیر ابطال گردیده است: «نظر به اینکه سازمان امور مالیاتی در دستورالعمل و نامه‌های مورد شکایت با قید از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون مذکور و تا پایان دوره برنامه پنجم توسعه برای تعدادی از واحدهای تولیدی و معدنی، محدودیت ایجاد کرده و از معافیت قانونی محروم کرده است؛ بنابراین، اطلاق دستورالعمل مورد شکایت، خلاف قانون و خارج از اختیار

---

۱ –کلاسه پرونده ۹۲/۲۹ مورخ ۹۶/۲/۱۲ ملاحظه در مورخ ۹۸/۲/۲۸ به نشانی:
http://rc.majlis.ir/fa/law/show/1022201
۲ –کلاسه پرونده: ۱۴۵۲/۹۵ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۵

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]
[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]

بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود».[۱]

آرای مذکور، نمونه‌هایی از مواردی است که دستورالعمل به دلیل مغایرت با قانون مربوط و یا خروج واضع آنها (قوه مجریه) از حدود خود و ورود به قلمروی تقنینیی نقض شده است.

از مجموع آرای صادره از مراجع رسیدگی به تخلفات بورسی،[۲] مرجع رسیدگی به تجدیدنظرخواهی از آرای بدوی صادره از تشکل‌های خودانتظام و آرای بدوی کمیته رسیدگی، «هیأت رسیدگی به تخلفات»[۳] و مرجع رسیدگی به تجدیدنظرخواهی از آرای بدوی صادره از سوی هیأت رسیدگی «هیأت‌مدیره سازمان» است که با تقاضای تجدیدنظرخواهی متخلفِ محکوم مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.[۴] رسیدگی هیأت مدیره سازمان به تجدیدنظرخواهی، می‌بایست در جلسه‌ای صورت گیرد که اکثریت اعضای آن یعنی حداقل ۳ عضو حضور داشته باشد و طبق نظر اکثریت رأی صادر می‌گردد. به عبارتی، حسب تعداد حاضران در جلسه، ۲ رأی از ۳ رأی یا ۳ رأی از۴ یا ۵ رأی تصمیم‌گیری می‌شود. نکته اینکه ضرورت دارد نظر مخالف نیز در زیر صورتجلسه درج و به امضای عضو مخالف برسد.[۵] این امر قابل تقدیر است؛ قید نظر مخالف در بهبود کیفیت رسیدگی مرحله تجدیدنظر فایده عملی دارد.

بر اساس تبصره ۱ و ۲ ماده ۵ دستورالعمل آرای بدوی که از سوی تشکل‌های خودانتظام و کمیته رسیدگی صادر می‌شود، قابل تجدیدنظرخواهی و مرجع رسیدگی، «هیأت رسیدگی به تخلفات» است؛ با این تفاوت که آرای تشکل‌های خودانتظام هم از سوی متخلفِ محکوم، قابل تجدیدنظرخواهی است و هم از سوی سازمان، ولی آرای کمیته رسیدگی صرفاً از سوی متخلفِ محکوم قابلیت تجدیدنظر خواهی دارد.[۶]

در مقام نقد این مقررات، نکته اول اینکه دستورالعمل در مواردی که رأی بدوی از تشکل خودانتظام صادر می‌گردد، برخلاف موارد اقدام از سوی متخلفِ محکوم، در خصوص سازمان از اصطلاح «اعتراض» استفاده نموده است. آنچه مسلم است در نگارش دستورالعمل باید کلمات تخصصی با لحاظ کاربرد و معنای آنها در قانون به‌کار رود. در قانون آیین دادرسی مدنی به عنوان قانون عام، اصطلاح اعتراض برای واخواهی و مواردی مانند اعتراض به تأمین خواسته و دستور

---

۱ -کلاسه ۹۰۹/۹۶، ۱۳۶/۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۲

۲ -ماده ۳ دستورالعمل

۳ – تبصره ۱ و ۲ ماده ۵ دستورالعمل

۴ – ماده ۹ دستورالعمل

۵ – مستفاد از ماده ۱۱ دستورالعمل

۶ – تبصره ۱ و ۲ ماده ۵ دستورالعمل

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]

موقت استعمال گردیده، در قانون مذکور اعتراض در مواردی استفاده شده که مرجع رسیدگی‌کننده همان مرجع صادرکننده رأی معترض‌عنه است؛ حال آنکه در خصوص نکته مورد انتقاد در دستورالعمل به نحوی که مذکور گردید، مرجع رسیدگی مجدد و مرجع صادرکننده رأی مورد اعتراض، واحد نیست و نسبت بدان رسیدگی عالی محسوب می‌شود. در موردی مشابه، ماده ۱۴ لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری نیز در خصوص آرای دادگاه انتظامی وکلا و به همین نحو در سایر مواد قانون مذکور از جمله مواد ۱۶ و ۱۸ و ۲۳ در خصوص اقدام اعتراضی از سوی وزیر دادگستری، رئیس کانون و دادستان انتظامی وکلا از اصطلاح «تجدیدنظر» استفاده شده است.

نکته دوم اینکه، دستورالعمل اعتراض؛ «سازمان» را مقید به این نموده که مفاد آن مبنی بر عدم رعایت قوانین و مقررات در جریان رسیدگی یا صدور رأی باشد؛ این وجه دوگانگی و تمایز نسبت به تجدیدنظرخواهی از سوی «متخلفِ محکوم» مبنایی ندارد؛ زیرا در تمام موارد، تجدیدنظرخواهی و اعتراض، به نوعی واقعاً یا حسب ادعا مبتنی بر عدم‌رعایت قانون است؛ مگر اینکه منظور از عبارت و قید بیان‌شده، اعتراض شکلی در برابر اعتراض ماهوی تفسیر گردد و گفته شود اعتراض از سوی سازمان، صرفاً از حیث عدم رعایت مقررات و شکلی است؛ اما جهت و موضوع تجدیدنظرخواهی متخلف ممکن است شکلی باشد یا ماهوی.

نکته سوم، انحصار امکان تجدیدنظرخواهی (اعتراض) از سوی «سازمان بورس» به آرای صادره از تشکل‌های خودانتظام مربوطه است؛ بدین‌صورت که نسبت به آرای صادره از کمیته رسیدگی، حق اعتراض پیش‌بینی نشده است. شاید دلیل این امر این باشد که کمیته رسیدگی، جزء بدنه سازمان است و به نوعی اقدام خود سازمان تلقی می‌شود.

۲. امکان شکایت از آراء قطعی مراجع انتظامی بازار اوراق بهادار در دیوان عدالت اداری

در نظام حقوقی کامن‌لا، هرچند اصولاً دادگاه‌های قضایی مستقل نیستند. (طباطبایی، مؤتمنی، ۱۳۸۵، : ۵۰ و ۴۹)؛ ولی در انگلیس دیوان‌های اداری شبه‌قضایی نیز وجود دارند که دارای ترکیب و صلاحیت‌های متنوعی هستند (هیأت پژوهشگران کاوندیش، ۱۳۸۷: ۱۹۳). در مورد بعضی اختلافات اداری، رسیدگی؛ نخست در دیوان‌های اداری صورت می‌گیرد. این دیوان‌ها بیشتر جنبه اداری دارند تا قضایی، مرجع تجدیدنظر این دیوان‌ها، دادگاه‌های عمومی است. (Jude, Stephen, 1999: 25) در حقوق نوشته، نظام حل و فصل حقوق عمومی و خصوصی مجزاست. مسائل مربوط به حقوق عمومی اصولاً در دادگاه‌ها و دیوان‌های اداری حل و

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]

فصل می‌شود و اختلافات حقوق خصوصی در دادگاه‌های قضایی (شیروی، ۱۳۸۹: ۱۵۱). در فرانسه، شورای دولتی بر آرای دادگاه‌های اداری نخستین و پژوهش، نظارت دارد (Simon, 1998: 41).

چنانچه نظارت از سوی مراجع قضایی انجام شود، نظارت قضایی نام دارد (هداوند، ۱۳۸۷: ۷). در ایران، دیوان عدالت اداری بر تصمیمات مراجع اداری، نظارت قضایی دارد. تئوری تفکیک قوا به موجب تفکیک قانون – ماهیت، این نتیجه را ایجاد می‌نماید که نظارت قضایی منحصر به مسائل شکلی شود (Finn, 2002: 242). دیوان عدالت اداری در رسیدگی به آرای مراجع اداری، همانند دیوان‌عالی کشور، «شکلی» است که حسب مورد، آنها را نقض یا ابرام می‌کند (واحدی، ۱۳۷۸: ۸۲). بند۲ قسمت ب ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری[1] به این امر با عبارت «منحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها» تصریح می‌دارد؛ ولی این مأموریت صرفاً شکلی در ماده ۶۳ به ماهیتی نیز تسری پیدا کرده است و با عبارت: «چنانچه رأی واجد ایراد شکلی یا ماهوی مؤثر باشد»؛ روشی مغایر با انحصار صلاحیت شکلی مقرر در ماده مذکور را مقرر داشته است. از مسائل قابل بحث، قابلیت شکایت از آرای قطعی مراجع انضباطی، موضوع قانون بازار اوراق بهادار در دیوان عدالت اداری است.

در این خصوص، مطابق نظریه تفسیری شورای نگهبان، «با توجه به قرینه «قوه مجریه» در قسمت اخیر اصل ۱۷۰ قانون اساسی مقصود از تعبیر دولتی در این اصل، قوه مجریه است؛ فلذا شامل مصوبات سایر مراجع و نهادها نمی‌شود.» پس از صدور نظریه مزبور، ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ مقرر داشت: «رسیدگی به تصمیمات قضایی قوه قضاییه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان، شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی از شمول این ماده خارج است.» (غفاری، ۱۳۹۱: ۱۲۷). در تحولات بعدی قانونگذاری، تبصره ۲ ماده ۱۰ قانون جدید (قانون تشکیلات و آیین دادرسی) با تغییر و تحدید این موارد، «تصمیمات و آرای دادگاه‌ها و سایر مراجع قضایی دادگستری و نظامی و دادگاه‌های انتظامی قضات دادگستری و نیروهای مسلّح» را از نظارت دیوان عدالت خارج نموده است.

از طرفی، ماده ۵ قانون بازار اوراق بهادار به صراحت مقرر می‌دارد: «سازمان مؤسسه عمومی غیردولتی است...». با توجه به ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری، رسیدگی به شکایات علیه مؤسسات و نهادهای عمومی احصاءشده در قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی نیز در صلاحیت دیوان عدالت اداری می‌باشد.» با اینکه «سازمان بورس» در این قانون جزء موارد

---

۱ – این قانون در ۹۲/۹/۲۲ در مجلس شورای اسلامی تصویب و ۹۰/۹/۳۰ به تأیید شورای نگهبان رسید، جز مواد ۱۰، ۱۲، ۸۹، ۹۰ و ۹۴ که ۹۲/۳/۲۵ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تأیید گردید.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]

مشمول احصا نشده، ولی با وحدت ملاک قانون مذکور، یعنی خصیصه «عمومی غیردولتی بودن»، باید آرای انضباطی قطعی سازمان بورس را قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری دانست.

ولی رأی وحدت رویه شماره ۱۳۴۶ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۷ صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در مقام رسیدگی به تعارض آراء متعدد شعب دیوان عدالت از جهت صلاحیت یا عدم‌صلاحیت دیوان برای رسیدگی به شکایت علیه سازمان بورس و اوراق بهادار هیأت عمومی دیوان، بدین شرح سازمان بورس را تحت نظارت دیوان عدالت اداری ندانسته است:

«اولاً: تعارض در آراء محرز است. ثانیًا: با توجه به اینکه مطابق ماده ۵ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱، سازمان بورس و اوراق بهادار به عنوان مؤسسه عمومی غیردولتی شناسایی شده است و مطابق جزء الف بند ۱ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، رسیدگی به شکایات و تظلمات از مؤسسات عمومی غیردولتی در شایستگی دیوان عدالت اداری لحاظ نشده است و فقط رسیدگی به شکایات، تظلمات از شهرداری‌ها و سازمان تامین اجتماعی به عنوان دو مصداق از مؤسسات عمومی غیردولتی در شایستگی شعب دیوان عدالت اداری پیش‌بینی شده است؛ بنابراین رسیدگی به شکایات علیه سازمان بورس و اوراق بهادار به عنوان مؤسسه عمومی غیردولتی در صلاحیت و شایستگی شعب دیوان عدالت اداری قرار ندارد. با توجه به مراتب رأی شعبه ۱۴ دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۱۴۰۱۵۰۱ ـ ۱۳۹۱/۵/۳۱ و رأی شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۵۶۰۰۴۵۸ ـ ۱۳۹۳/۴/۲۱ شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری و رأی شماره ۹۰۰۹۹۷۰۹۰۲۲۰۰۵۴۶ ـ ۱۳۹۰/۴/۱۴ شعبه ۲۲ دیوان عدالت اداری و رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۱۰۰۰۹۳۸ مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۶ شعبه ۱۰ دیوان عدالت اداری که شعبه دیوان عدالت اداری را در رسیدگی به شکایت علیه سازمان بورس و اوراق بهادار واجد شایستگی و صلاحیت تشخیص نداده‌اند، صحیح و مطابق مقررات تشخیص می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین-دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه، لازم‌الاتباع است».

رأی وحدت رویه مذکور، سازمان بورس و اوراق بهادار را خارج از نظارت قضایی دیوان عدالت قرار داده است؛ بنابراین، مطابق مقررات فعلی، آرای مراجع انضباطی این سازمان و تشکلات مربوط به آن تحت عناوین موضوع قانون بازار اوراق بهادار و مقررات مربوط را نمی‌توان قابل شکایت در دیوان عدالت اداری دانست؛ هرچند، رأی وحدت رویه راجع به بند ۱ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت است؛ ولی ماهیت و ملاک رأی هیأت عمومی مبنی بر خروج سازمان بورس از نظارت دیوان عدالت است و مفاد آن بند ۲ ماده ۱۰ این قانون را نیز دربرمی‌گیرد؛ بنابراین،

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]

طبق آن، آرای مراجع انضباطی مربوط به این سازمان، قابل شکایت در دیوان عدالت نیست. دلایل و مبانی آراء، همچنین دفاع سازمان بورس که دیوان با نظر آنها مبنی بر عدم‌صلاحیت برای نظارت دیوان بر سازمان بورس موافق بوده است، به طور خلاصه عبارتست از: دولتی نبودن سازمان بورس به تصریح ماده ۵ قانون بازار، خارج از شمول ماده واحده قانون تفسیر ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری در رابطه با قانون فهرست نهادها و موسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۴، اختصاص و انحصار کلمه «دولتی» در اصل ۱۷۰ قانون اساسی بر قوه مجریه، تصریح ماده ۵ قانون بازار به عمومی غیردولتی بودن سازمان بورس و درنتیجه، خروج موضوعی از ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری، عدم تصریح در قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲، احصاء سازمان‌ها و شرکت‌های غیردولتی در قانون فهرست نهادها و عدم ذکر نام سازمان بورس و عدم تصریح قانون دیوان به آن.

مبانی مذکور و رأی دیوان عدالت به دلایل زیر قابل انتقاد است:

نخست اینکه، در تبیین مفهوم «کارکردی یا مادی» باید ماهیت عمل اجرایی را مورد شناسایی قرار داد. عمل اداری در انحصار کامل قوه مجریه به مفهوم «سازمانی» نیست و بخشی از این وظایف به شوراهای محلی، شهرداری‌ها و نظام‌های حرفه‌ای واگذار گردیده است. (واعظی و حسینی، ۱۳۹۷: ۲۳۲)؛ هرچند شورای محترم نگهبان نیز طی نظریه شماره ۸۳/۳۰/۹۳۸۷ ـ ۱۳۸۳/۱۰/۲۱ مقصود از کلمه «دولتی» در اصل ۱۷۰ قانون اساسی را «قوه مجریه» دانسته است؛ ولی تفسیر شورای نگهبان در معنای موسع، شامل هر نهادی است که عمل اجرایی انجام می‌دهد. معنای صرفاً در مفهوم سازمانی قوه مجریه، با اصول حاکمیت در تباین بوده و اقدام بدون ترس از نظارت دیوان عدالت را تجویز می‌نماید. قانون دیوان نیز درخصوص حدود صلاحیت خود فقط به مفهوم سازمانی قوه مجریه توجه ننموده است (واعظی و حسینی، ۱۳۹۷: ۲۳۴).

برخی نیز با انتقاد از قانون گفته‌اند: همچنان مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی با وجود اقدام به امر عمومی و برخورداری از صلاحیت اعمال قدرت عمومی، خارج از صلاحیت دیوان ذکر شده است و این تضییق و تحدید، صلاحیت دیوان را خلاف روح اصل ۱۷۳ و اصل ۳۴ قانون اساسی و مغایر حق دسترسی به عدالت اداری دانسته‌اند. (همتی، ۱۳۹۵: ۲۵۱و۲۵۲)؛ ولی این امر اطلاق ندارد و «شهرداری‌ها» مذکور ماده ۱۰ قانون دیوان فعلی، مصداقی از نهاد عمومی غیردولتی است. علاوه بر مصادیق مذکور در ماده ۱۰، تصریح ماده ۱۲ به مؤسسات عمومی غیردولتی، حکایت از صلاحیت دیوان نسبت به برخی سازمان‌های مستقل از قوه مجریه [به مفهوم سازمانی] دارد؛ از این‌رو، دولت مفهوم گسترده‌ای دارد که تمام واحدهای اجرایی حکومتی را دربرمی‌گیرد (امامی و سلیمانی، ۱۳۹۲: ۱۴). اگر قائل به رویکرد کارکردی در شناسایی صلاحیت دیوان برای اعمال

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]

نظارت قضایی باشیم (گرجی ازندریانی و شفیعی‌سردست، ۱۳۹۲: ۲۵) باید قواعد و اصول حقوق عمومی از جمله نظارت قضایی در مورد اجرای وظایف و اختیارات عمومی اعمال شود و تحت‌کنترل حقوق عمومی باشد (گرجی ازندریانی و شفیعی سردست، ۱۳۹۲: ۲۵). سازمان بورس و اوراق بهادار دارای اختیارات و وظایف عمومی است؛ بنابراین، در مفهوم کارکردی، داخل در معنای قوه مجریه است.

دوم اینکه، در قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، مقرره فوق‌الذکر (ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت مصوب ۱۳۸۵) بدین شرح تغییر یافت: «تصمیمات و آرای دادگاه‌ها و سایر مراجع قضایی دادگستری و نظامی و دادگاه‌های انتظامی قضات دادگستری و نیروهای مسلح قابل شکایت در دیوان عدالت اداری نمی‌باشد.»[۱]

نحوه نگارش مقرره فوق، به‌روشنی اصل را بر صلاحیت دیوان عدالت اداری به عنوان مرجع عمومی شکایت از آرای مراجع اداری و انضباطی قرار داده است و مصادیق ذکر شده در مقرره فوق‌الذکر را به عنوان استثنا ذکر نموده است؛ بنابراین، باید از توسعه استثنائات به فراتر از مصرحات مقرره فوق خودداری و اذعان نمود؛ با توجه به اینکه سازمان بورس و اوراق بهادار در شمار استثنائات مذکور نیامده است، از همین‌رو، آرای قطعی راجع به تخلفات انضباطی سازمان بورس و اوراق بهادار، قابل شکایت در دیوان عدالت اداری است. این نظر با توجه به اصطلاح «مانند» در بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری قوی به نظر می‌رسد؛ زیرا تمثیلی بودن و نه احصایی بودن موارد مذکور در این ماده را اثبات می‌نماید.

سوم اینکه، «ماهیت» آرای صادره مراجع انضباطی موضوع قانون بازار اوراق بهادار، همانند آرای صادره از هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری است که پس از قطعیت، قابل‌شکایت در دیوان عدالت اداری است؛ بویژه با توجه به اینکه هیچ‌کدام از اعضای مراجع رسیدگی به تخلفات انضباطی موضوع قانون بازار از قضات قوه قضاییه نبوده و فاقد پایه قضایی هستند؛ امکان شکایت از آرای قطعی آنان در دیوان عدالت با فلسفه ایجادی دیوان عدالت انطباق دارد.

چهارم اینکه، جنبه تمثیلی و نه احصایی بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، دلالت بر امکان تعمیم نظارت قضایی دیوان بر آرای تمام مراجع اجرایی در مفهوم کارکردی و از جمله مراجع انضباطی موضوع قانون بازار اوراق بهادار دارد، سازگار است؛ بنابراین، رأی وحدت‌رویه صادره مخالف روح قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت، همچنین ضرورت نظارت قضایی دیوان بر سازمان بورس و آرای قطعی مراجع انضباطی مربوط بدان است.

---

۱ – تبصره ۲ ماده ۱۰ این قانون

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]

در پایان، باید گفت دادگاه‌های عمومی اگرچه صلاحیت عام دارند و درخصوص برخی مراجع اختصاصی، مرجع اعتراض هستند؛ ولی درخصوص مراجع موضوع نوشتار، این امکان به نحو مبنایی فاقد وجاهت است؛ زیرا ماهیت مراجع مورد بحث و به‌تبع، آرای صادره از نوع انضباطی و اداری است؛ بر این اساس، چنین امکانی موضوعی منتفی است و علاوه بر فقدان نص قانونی در این‌باره، از جهت ماهیت تصمیمات، خارج از صلاحیت ذاتی دادگاههاست.

نتیجه

مطابق قانون جاری، مرجع صالح برای رسیدگی بدوی تخلفات اعضای بورس، هیأت مدیره بورس است. این آراء به تصریح ماده ۳۵ قانون بازار، قابل تجدیدنظرخواهی و مرجع رسیدگی نیز «سازمان» است. مطابق دستورالعمل مربوطه، مراجع رسیدگی به تخلفات بورسی عبارتند از: کمیته رسیدگی به تخلفات، تشکل خودانتظام مربوطه، هیأت رسیدگی به تخلفات و هیأت‌مدیره سازمان. آرای بدوی صادره از تشکل‌های خودانتظام و آرای بدوی کمیته رسیدگی، قابل تجدیدنظرخواهی و مرجع رسیدگی «هیأت رسیدگی به تخلفات» است و آرای بدوی صادره توسط هیأت رسیدگی در «هیأت‌مدیره سازمان» قابل تجدیدنظرخواهی است.

به موجب ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی قانون بازار اوراق بهادار، که رسیدگی نخستین به تخلف، مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره بورس و ارکان سایر تشکل‌های خودانتظام را در صلاحیت «هیأت‌مدیره سازمان» است، اولاً، آیین‌نامه مربوط به ارکان خود بورس است، نه اعضای آن؛ ولی ایراد وارد بر آن به ابتکار در اقدام و دخالت در قانونگذاری است؛ دوم، این آراء عملاً قابل تجدیدنظرخواهی نیستند؛ زیرا بدواً توسط هیأت مدیره سازمان صادر می‌گردد و یک مرحله پیش-بینی شده است؛ حال آنکه، قابلیت اعتراض برای صدور آراء متقن و تصمیمات عادلانه ضروری است.

سوم، چنانچه متهم به تخلف عضو یکی از تشکل‌های خودانتظام، همچنین از اشخاص موضوع ماده ۳ دستورالعمل ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی قانون بازار اوراق بهادار نیز نباشد؛ چون رسیدگی از سوی تشکل و هیأت مدیره بورس مذکور در ماده ۳۵ قانون موضوعاً منتفی است، رسیدگی بدوی حسب مورد در کمیته رسیدگی یا هیأت رسیدگی صورت می‌گیرد، دو نهاد مزبور از اجزای سازمان بورس هستند؛ بنابراین، عملاً در این بخش نیز ترتیب مقرر در ماده فوق‌الذکر که صلاحیت رسیدگی بدوی را به هیأت مدیره بورس واگذار نموده، رعایت نمی‌گردد. تخصیص قانون به موجب آیین‌نامه یا دستورالعمل، مغایر با شأن آنهاست و موارد مذکور، مصادیقی از اصل ۱۷۰ قانون اساسی است که توسط محاکم، امکان اجرا ندارد و از سوی دیوان عدالت قابل ابطال است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]

چهارم، برخلاف آرای تشکل‌های خودانتظام، آرای «کمیته رسیدگی» صرفاً از سوی متخلف محکوم، قابلیت تجدیدنظرخواهی دارد؛ همچنین دستورالعمل در مواردی به جای تجدیدنظر از اصطلاح «اعتراض» استفاده نموده است، در موارد مذکور، وجه دوگانگی فاقد مبنا به نظر می‌رسد.

در خصوص شکایت از آرای قطعی مراجع انضباطی بورس در دیوان عدالت، رأی وحدت رویه شماره۱۳۴۶ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، شکایت از سازمان بورس و اوراق بهادار را خارج از صلاحیت دیوان دانسته است؛ بنابراین، امکان شکایت از آرای قطعی این مراجع وجود ندارد. این امر قابل انتقاد است؛ زیرا چنانچه اصل بر صلاحیت دیوان عدالت اداری به عنوان مرجع عمومی شکایت از آرای مراجع اداری و انضباطی باشد؛ باید بر آن بود که با توجه به اینکه سازمان بورس و اوراق بهادار در شمار استثنائات تبصره ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۰ مذکور نیامده است، از این‌رو، آرای قطعی راجع به تخلفات انضباطی قانون بازار اوراق بهادار باید اصولاً قابل شکایت در دیوان عدالت اداری باشد. این نظر با توجه به اصطلاح «مانند» و تمثیلی‌بودن مصادیق در بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و نگاه کارکردی به قوه مجریه قوی به نظر می‌رسد؛ همچنین، مفهوم کارکردی قوه مجریه، سازمان بورس را دربرمی‌گیرد. رویکرد رأی وحدت‌رویه صادره، سلب نظارت قضایی دیوان بر این بخش از آراء است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]

منابع

۱.فارسی و عربی

الف) کتاب‌ها

۱.الآشتیانی، میرزا محمد، (۱۴۰۴)، کتاب القضاء، ناشر: منشورات دارالجهره.

۲. افتخارجهرمی، گودرز و السان، مصطفی (۱۳۹۶) ، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: نشر میزان.

۳. حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین محمدبن احمد (۱۳۸۹ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد۲ ، مطبعهٔ الآداب: النجف الاشرف.

۴. رشتی، حبیب‌الله (۱۴۰۱)، کتاب القضاء، قم: دارالقرآن کریم.

۵. سلطانی، محمد (۱۳۹۶)، حقوق بازار سرمایه، چاپ چهارم، تهران: سمت، پژوهشکده تحقیق و علوم انسانی و دانشگاه شهید بهشتی.

۶. شمس، عبدالله، (۱۳۸۱)، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ سوم، تهران: میزان.

۷. شمس، عبدالله (۱۳۸۲)، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: میزان.

۸. صدرزاده افشار، سیدمحسن (۱۳۸۵)، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، (۳جلد در یک مجلد)، چاپ نهم، تهران: جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی.

۹. میرزایی منفرد، غلامعلی (۱۳۹۰)، حقوق بازار اوراق بهادار؛ بخش اختلافات، تهران: میزان

۱۰. نجفی، محمّدحسن (۱۳۵۳ق)، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد چهلم، تهران: دارالکتاب الإسلامیه.

۱۱. واحدی، قدرت‌الله (۱۳۷۸)، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: میزان.

ب)مقالات

۱۲. امامی، محمد و سلیمانی، مهستی (۱۳۹۲)، «ضوابط تشخیص دعاوی قابل طرح در دیوان عدالت اداری»، مجله حقوقی دادگستری، شماره۸۲، صص ۳۸-۹.

۱۳. امینی، مهدی؛ عیسائی تفرشی، محمد؛ شهبازی‌نیا، مرتضی (۱۳۹۴)، «دستکاری بازار اوراق بهادار: مفهوم، مبانی و روش‌ها (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و امریکا)»، پژوهشهای حقوق تطبیقی، دوره۱۹، شماره۱، صصص ۲۵-۱.

۱۴. انصاری، علی؛ تفرشی عیسائی، محمد؛ حسینی، سیدمیلاد (۱۳۹۲)، «تحلیل ساختار نهادهای خودانتظام در بازار سرمایه ایران با مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی امریکا»، تحقیقات مالی، دوره ۱۵، شماره ۲، صص ۱۶۰-۱۴۹.

۱۵. انصاری، علی؛ طوسی، عباس؛ حیدری سورشجانی، مریم (۱۳۹۴)، «تحلیل حقوقی ساختار شرکت بورس و نقش آن در افزایش کارایی معاملات بازار سرمایه»، فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۷۱-۵۳.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]

۱۶. انصاری، علی؛ مبین، حجت (۱۳۸۹)، «تحلیل مسئولیت مدنی شرکت بورس در معاملات اوراق بهادار با تکیه بر فرض عدم قطعیت معامله در رویه هیئت داوری»، فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۹۱-۱۲۲.

۱۷. باقری، محمود؛ احضاری، عباس (۱۳۹۸)، «ابعاد حقوقی بازار سرمایه غیرمتشکل؛ با نگرش تطبیقی در حقوق ایالات متحده امریکا»، پژوهش حقوق خصوصی، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۸۵-۵۹ .

۱۸. پایتختی اسکوئی، علی؛ هادی‌پور، حسن؛ آقاباقری، حسن (۱۳۹۸)، «سبد بهینه سهام با استفاده از معیار ارزش در معرض خطر: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران»، فصلنامه علمی – پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال پانزدهم، شماره ۶۱، صص ۱۷۸-۱۵۷.

۱۹. حسن‌زاده، مهدی (۱۳۹۳)، «بررسی فقهی- حقوقی امکان شکایت از آرای مستند به سوگند قاطع دعوا در تجدیدنظر و فرجام»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۴، شماره۲، صص ۱۸۶-۱۷۵.

۲۰. حسن‌زاده، مهدی (۱۳۹۷)، «شکایت از آرای مدنی خارج از مهلت قانونی»، *حقوق خصوصی*، دوره۲۱، شماره۲، صص ۲۸۱-۲۶۱ .

۲۱. حسن‌نژاد، محمد؛ شمس، شهاب‌الدین (۱۳۹۵)، «بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت مردم در بازار سرمایه ایران»، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۳۴، صص ۱۰۶-۷۷ .

۲۲. شیخ، محمدجواد؛ خدامرادی، سعید؛ جلیل‌زاده، محمد (۱۳۹۰)، «ارزیابی عملکرد شرکت‌های کارگزاری بورس و اوراق بهادار تهران، با استفاده از AHP فازی و TOPSIST »،چشم‌انداز مدیریت مالی و حسابداری، ش۳، صص ۱۰۵-۸۳.

۲۳. صادقی، مهلا (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی بورس اوراق بهادار ایران با سایر بورس‌های جهان و دلایل قوت و ضعف آن»، پژوهش حسابداری، سال سوم، شماره۱۲، صص ۱۹۳-۱۷۳.

۲۴. غفاری، هدی (۱۳۹۱)، «نسبت میان حاکمیت شرع و حاکمیت قانون در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق، سال چهاردهم، شماره ۳۶، صص ۱۳۲-۱۰۷.

۲۵. فدایی‌نژاد، محمداسماعیل؛ کامل‌نیا، مجتبی (۱۳۹۰)، «بررسی اثرات بازارگردانی روی نقدشوندگی سهام و سودآوری آن برای بازارگردانان در بورس اوراق بهادار تهران، چشم‌انداز مدیریت مالی و حسابداری، ش۳، صص ۵۴-۴۱.

۲۶. کدخدایی، عباسعلی (۱۳۹۱)، «تبیین اصل عدم تفویض قانون‌گذاری در پرتو اصل برتری قانون اساسی، نقدی بر رویه شورای نگهبان»، ، سال چهاردهم، شماره ۳۸، صص ۷۷-۹۹.

۲۷. گرجی ازندریانی، علی‌اکبر و شفیعی سردست، جعفر (۱۳۹۲)، «اعمال نظارت‌پذیر قضایی دولت، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۵، صص ۴۰-۲۱.

۲۸.لواسانی، کیوان شهاب؛ مرشدبابایی، صدف (۱۳۹۹)، «بررسی اثر افزایش احتمالی معامله، معامله‌گران مطلع بر انتخاب نامساعد بازارگردان، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار»، سال ۱۳، ش۴۶، صص ۱۳۶-۱۲۵.

۲۹. مشهدی، علی؛ جلیلی مراد، آیت‌اله (۱۳۹۸)، «معیارهای نظارت قضایی بر صلاحیت‌های اختیاری مقامات اداری در حقوق ایران، فرانسه و آلمان»، فصلنامه حقوق اداری(علمی – پژوهشی)، سال ششم، شماره ۱۸، صص ۲۴۱-۲۱۹.

۳۰. نورانی‌مقدم، یونس؛ عیوضی، اعظم (۱۳۹۵)، «انواع دعاوی و شیوه‌های رسیدگی در بازار سرمایه ایران و امریکا»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۱، صص ۳۶۵-۳۴۷.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]

۳۱. واعظی، سیدمجتبی؛ حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۷)، «نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان و شورای نگهبان»، فصلنامه حقوق اداری (علمی - پژوهشی)، سال ششم، شماره ۱۶، صص ۲۵۱-۲۲۹.

۳۲. ورعی، سیدجواد (۱۳۸۳)، «نظارت و پرسشگری»، حکومت اسلامی، سال نهم، شماره سوم، صص ۱۱-۵.

۳۳. هداوند، مهدی (۱۳۷۸)، «نظارت قضایی: تحلیل مفهومی، تحولات اساسی (طرحی برای توسعه حقوق اداری و ارتقاء نظارت قضایی)»، نشریه حقوق اساسی، سال پنجم، شماره ۹، صص ۵۶-۷.

۳۴. همتی، مجتبی؛ داودی، غلامرضا (۱۳۹۶)، «مطالعه تطبیقی استانداردهای رفتار قضایی (اسلام، ایران، امریکا و چین)»، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره نهم، شماره دوم، صص ۳۱۰-۲۷۷.

۳۵. همتی، مجتبی (۱۳۹۵)، «تحلیل قانون دیوان عدالت اداری از منظر استانداردهای خاص دادرسی منصفانه اداری؛ با نگاهی به رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال نوزدهم، شماره ۵۵، صص ۲۷۲-۲۴۵.

۳۶. یاوری، اسدالله (۱۳۹۳)، «تأملی بر سیر تحولات تجدیدنظرخواهی در دیوان عدالت اداری»، فصلنامه حقوق اداری، سال دوم، شماره ۵، صص ۳۱-۹

ج-اسناد

۳۷. رأی وحدت رویه شماره ۱۳۴۶ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

۳۸. رأی شماره ۸۳ کلاسه پرونده ۹۲/۲۹ مورخ ۹۶/۲/۱۲ هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری.

۳۹. رأی شماره ۱۰۰۱ کلاسه پرونده ۱۴۵۲/۹۵ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

۴۰. رأی شماره ۱۲۸۸ ـ ۱۲۸۷ کلاسه ۹۰۹/۹۶ -۱۳۶/۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

۲. انگلیسی

A) Books

41. John Simon, Sophie Boyron, and Simon Whittaker (1998). *Principles of French law*, New York, Oxford University press.

42. Jude, Stephen, (1999). *Business Law*, 2nd Ed, Mac Millan, London.

B) Articles

43. Finn, Chris (2002). The Justifiability of Administrative Decisions: A Redundant Concept? Federal law Review, Vol. 30, No.2

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.185]